



پرسشهای کودکان مهم و رمزی هستند/ چرا کودکان می پرسند؟

پدر و مادر و مربیان باید بکوشند به سؤالات کودکان اهمیت داده، با مهر و محبت و با زبان کودکی با آنان سخن گفته، پرسش هایشان را با پاسخ های صحیح پاسخ بدهند.

خبرگزاری مهر- پدر و مادر و مربیان باید بکوشند به سؤالات کودکان اهمیت داده، با مهر و محبت و با زبان کودکی با آنان سخن گفته، پرسش هایشان را با پاسخ های صحیح پاسخ بدهند.

انسان موجود ظریف و پیچیده است و تربیت او کار ساده ای نیست. در یک قطعه چوب و سنگ می توان تغییر و تحولی بوجود آورد، زیرا جامدات از خود اراده ای نداشته و مقاومتی نمی نمایند، ولی انسان چون دارای شخصیت و اراده است در برابر هر دگرگونی ایستادگی کند؛ به عبارت دیگر همانند چوب و سنگ نیست که خود را دربست در اختیار دیگران بگذارد.

از این گذشته، انسان احتیاجات گوناگونی دارد. اولیاء و مربیان باید تمام نیازمندی های جسمی و عاطفی و کودکان را در نظر بگیرند تا روشهای تربیتی، سودمند واقع گردد، در غیر این صورت سهل انگاری در یکی از خواسته های مشروع آنان نتیجه تربیتی را خنثی خواهد ساخت.

از آغاز کودکی حس کنجکاوی شدیدی کودکان را تحریک می کند که از هر چیزی سر در بیاورند. آنان پیش از آنکه به حرف زدن آشنا گشته و راه رفتن را بیاموزند با لمس کردن اشیاء و خراب کردن آنها می خواهند از آنها اطلاع پیدا کنند، و آنها را بشناسند.

کودکان وقتی به 3 و 4 سالگی می رسند به جای لمس کردن و خراب نمودن، این اطلاع و آشنایی را به وسیله پرسشهای گوناگون انجام می دهند، لذا در این دوره کلمات (چرا و چطور) زیاد از زبان آنان شنیده می شود. این پرسش ها از موضوعات بسیار ساده و کم اهمیت شروع شده، بتدریج به سؤالات و بغرنج منتهی می گردد؛ مثلاً بسیاری از کودکان می پرسند ستاره چیست؟ خدا کجاست؟

عطش شناسایی و درک، نه تنها در طبقه کودکان وجود دارد، بلکه این تجسس فکری از مختصات انسان بوده، در هر دوره زمانی انسانها می کوشند از هر چیزی سر درآورده، مجهولات خود را کاهش دهند و به دانستنی های واقعی خود بیفزایند، بسیاری از تمایلات انسان دوره ای و فصلی است، یعنی در موقعی شروع و در زمانی پایان می یابد، مثلاً بازی کودکان آغاز و انجامی دارد، ولی حس کنجکاوی و درک انسان پایانی ندارد، و تازه هر چه علم و دانش بشری فراوان تر می گردد ابهام و سؤال انسانها نیز توسعه بیشتری می یابد.

غذای فکری کودکان

همانطور که کودکان از نظر جسمی نیازمند مواد غذایی می باشند، از لحاظ روحی نیز به غذای فکری احتیاج دارند و این نیازمندی به وسیله پرسشهای کودکان آنان ابراز می گردد. بنابراین سؤالات آنان را نمی توان بی اهمیت تلقی کرد، چه این پرسش ها از یک نیاز طبیعی سرچشمه گرفته، زمینه آشنایی آنان را با محیط زندگی و جهان فراهم می سازد.

روانشناسان معتقدند که کنجکاوی کودک بی هدف نمی باشد، بلکه بر اساس امکانات طبیعی، حس کنجکاوی زمینه شناسایی آنان را فراهم می سازد. روی این اصل، یکی از اساسی ترین پایه های تربیت، بر محور پاسخ های صحیح کودکان قرار داده شده است. پدران و مادران با بررسی این سؤالات به روحيات آنان پی برده، بهتر خواهند توانست فرزندان خویش را پرورش دهند.

شخصیت فکری کودکان در گذشته کمتر مورد توجه بزرگترها قرار می گرفت، زیرا نوعاً عقیده بر این بود که آنان از نظر فکری ناتوان و نارضا هستند، لذا سؤالات اطفال را بچگانه تلقی کرده و سرسری می گرفتند. برخی از پدران و مادران به جای جواب مساعد می گفتند بعدها که بزرگ شدی می فهمی، عده دیگر که بر اثر اصرار کودکان مجبور بودند جوابی بدهند، پاسخهایی می دادند که برای کودکان قابل فهم و درک نبود، زیرا با میزان فهم و درک کودکان انطباق نداشت و در مواردی هم به جای اینکه مشکل را حل نماید بر ابهام و اشکال آنان می افزودند.

تعلیم و تربیت نوین

روانشناسان تربیت، امروزه کودک را یک انسان تلقی می کنند و برای دوران کودکی اهمیت فراوان قائل می باشند و معتقدند که شخصیت آینده کودکان ارتباط مستقیمی با نحوه تعلیم و تربیت دوره کودکی و کیفیت ارتباط پدران و مادران با آنها و محیط تربیتی

شان دارد به سؤالات کودکان اهمیت فراوان می دهند و سرسری گرفتن و یا پاسخهای غیر صحیح دادن را عامل رکود و جمود فکری کودکان قلمداد می نمایند.

زبان کودکی

پاسخ به سؤالات کودکان نیز باید با ظرفیت فکری آنان متناسب باشد. پدران و مادران به جای آنکه در پاسخ به سؤالات کودکان با زبان متعارف و معمولی با آنها سخن بگویند بکوشند به همان زبان کودکی با آنان صحبت نمایند تا برایشان قابل درک باشد.

زبانهای جبران ناپذیر

هرگاه پدران و مادران بخواهند جلوی کنجکاوی کودکان خود را بگیرند و بچه ها را از سؤال کردن ممنوع دارند در درجه اول حس کنجکاوی آنان شدیدتر می شود زیرا به این فکر می افتند که چه سری در این کار بوده که آنها را از دانستن ممنوع داشته اند؟

اول زیان جواب ندادن، تحریک حس کنجکاوی کودکان خواهد بود و ممکن است کودکان پاسخ سؤالات خود را از راه دیگری به دست آورند که به ضرر و زیان آنان تمام شود. از این گذشته، کودکی که به سؤالات او بی توجهی می شود، حس اعتمادشان لطمه دیده، دچار حساسیت می شود و از پرسش کردن در مراحل بعدی نیز خودداری خواهد کرد و به همین میزان از پرورش فکری باز خواهند ماند.

برعکس کودکی که به سؤالاتش اهمیت داده شده و با زبانی کودکانه جواب هایی برایش تهیه شود به فکر خود اعتماد پیدا کرده، به شخصیت فکری خود مومن و معتقد خواهد شد و در دوران جوانی پرسشها و اظهارنظرها دچار شرمندگی کاذب شده مشکلاتش را حل خواهد کرد.

پرسشهای کودکان رمزی است

سؤالاتی که کودکان می نمایند دارای دو جنبه متمایز می باشد: اول آنکه مجهولی دارند و می خواهند از آن اطلاع یابند دوم اینکه این سؤال با زندگی کودکان آنان ارتباط دارد، و به عبارت دیگر اوضاع و احوال کودکی است که آنان را به سؤال کردن وادار می سازد، چه کودک جریانی را می بیند و یا می شنود و یا کاری را انجام می دهد سپس سؤال می کند. بنابراین پاسخ دهندگان باید توجه داشته باشند که پیدایش این سؤالات، ارتباط مستقیمی با رفتار و زندگی کودکان با دیگران دارد.

پیش از هر چیز باید توجه داشت که کودک کمتر صاف و طبیعی صحبت می کند اغلب به صورت رمز حرف می زند. سپس نباید سؤالاتش را ظاهری تلقی کرد، بلکه با زندگی او و رفتارش ارتباط مستقیم دارد و پاسخ ها سرنوشت او را تعیین می نمایند.